خبر

حمایت از تیم‌های تولید محتوا در مرکز نوآوری ساترا

دومین دوره شتاب‌دهی آکادمی «بُرش» به منظور حمایت از تیم‌های تولید محتوا، از مهر ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ در مرکز نوآوری ساترا برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی ساترا، دومین دوره شتاب‌دهی آکادمی بُرش از مجموعه‌های شتاب‌دهنده مرکز نوآوری رسانه ساترا مهر ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ برگزار می‌شود و گروه‌های پذیرفته‌شده باید طی این دوره طرح‌های خود را به مرحله تولید برسانند. در همین راستا تیم‌های برگزیده در دوره شتاب‌دهی از این حمایت‌ها برخوردار خواهند شد: حمایت مالی، مرتبط‌سازی به بازار کار مناسب پروژه، حمایت‌های کسب‌وکاری، مربیگری و مشاوره تولیدی، کمک به تکمیل تیم، حمایت در زمینه توزیع و انتشار آثار تولیدی، برگزاری کارگاه‌های پیشرفته آموزشی، حمایت تجهیزاتی و تامین فضای فیزیکی مورد نیاز برای سال اول فعالیت.

علاقه‌مندان به حوزه‌های تولیدمحتوا می‌توانند طرح‌های خود را در یکی از قالب‌های تولیدات فضای مجازی، فیلم کوتاه، پادکست، برنامه اینترنتی، موشن‌گرافی، انیمیشن، اینفو رسانه، کمپین‌سازی و طراحی پلتفرم ارسال کنند. این طرح‌ها باید در «قالب طرح» ارائه شده (که در صفحه آکادمی «بُرش» برای دانلود قرار داده شده) آماده و ارسال شود. همچنین ثبت‌نام در این دوره صرفا به صورت گروهی است و اولویت شرکت در دوره با تیم‌های جوانی است که سابقه فعالیت در زمینه طرح ارائه شده را داشته باشند.

شرایط حضور در دوره از این قرار است:

۱ـ طرح ارسالی باید دارای ظرفیت تولیدی به صورت وب‌سری را داشته باشد.

۲ـ اجرای پروژه به صورت تیمی (اعضای تیم باید بین ۲۰ تا ۳۵ سال سن داشته باشند.)

۳ـ ارائه طرح در فرمت استاندارد آکادمی بُرش و دارا بودن رزومه مرتبط با طرح ارائه شده.

۴ـ پذیرفته شدن طرح در بررسی اولیه و مصاحبه حضوری توسط هیات داوران آکادمی بُرش.

تیم‌های علاقه‌مند می‌توانند از طریق سایت آکادمی بُرش به نشانی boreshacademy.ir ثبت‌نام و طرح‌های خود را نهایتا تا تاریخ ۲۶ شهریور ۱۴۰۰ برای بررسی ارسال کنند. از بین طرح‌ها و رزومه‌های ارسالی پس از بررسی اولیه و شرکت در مصاحبه حضوری، تیم‌هایی برای شرکت در دوره شتاب‌دهی برگزیده و در انتهای دوره، تیم‌های موفق به بازار کار مناسب پروژه معرفی می‌شوند.

ثبت‌نام اولیه گروه‌های متقاضی توسط سرگروه انجام می‌گیرد و نیاز به ثبت‌نام جداگانه اعضا نیست. علاقه‌مندان به ثبت‌نام باید فایل خام طرح‌نامه را دانلود و تکمیل شده آن را به پیوست در فرم ثبت‌نام آپلود کنند. ثبت‌نام‌کنندگان باید در فایل مذکور اطلاعات کامل گروه را شامل رزومه عملی همه اعضای گروه، بعلاوه جزئیات طرح پیشنهادی خود ذکر کنند.

در این دوره شتاب‌دهی، استارتاپ ویکند یک‌روزه «اکشن» نیز برای گروه‌های علاقه‌مند برگزار می‌شود. در این رویداد ثبت‌نام‌کنندگان در کارگاه‌هایی با موضوعات: از طرح تا ایده، مخاطب‌شناسی و اقتصادمحتوا شرکت می‌کنند و در نهایت پس از تکمیل ایده‌های خود، طرح‌نامه را تا تاریخ ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ ارائه خواهند کرد. جدول برنامه‌های رویداد اکشن از این قرار است:

رویداد «اکشن» که هفته آخر شهریورماه برگزار و زمان دقیق آن متعاقبا به تمام تیم‌ها اعلام می‌شود در آکادمی بُرش واقع در ایستگاه نوآوری شریف برگزار خواهد شد و مهلت ثبت‌نام آن تا ۲۵ شهریور است. باتوجه به رعایت پروتکل‌های بهداشتی ظرفیت محدود است و اولویت حضور با گروه‌هایی است که زودتر ثبت‌نام کنند اما حضور سرگروه هر تیم در این جلسه الزامی است.

موضوعات «رسانه کودک و نوجوان، مسائل نظام آموزش و پرورش، رگولاتوری محتوا» دغدغه آکادمی بُرش است.

«دختران حوا» به آی‌فیلم می‌آیند

شبکه آی‌فیلم، مجموعه تلویزیونی «دختران حوا» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده را روی آنتن می‌برد. به گزارش روابط‌عمومی رسانه‌ملی، مجموعه تلویزیونی دختران حوا از امروز روی آنتن می‌رود. این مجموعه که سال ۱۳۹۱ تولید شده، درباره زنی به‌نام ثریاست که در زندان در آخرین روزهای زندگی خود پرده از رازی بزرگ برداشته و از شیوا، مددکار زندان کمک می‌طلبد. شیوا برای پی‌بردن به این راز درگیر ماجراهای مختلف می‌شود. این سریال به داستان زندگی سه دختر در سه قشر متفاوت جامعه اشاره می‌کند. در سریال دختران حوا حدود ۴۳ بازیگر بازی کردند که از میان‌شان می‌توان به یکتا ناصر، پوریا پورسرخ، ایرج راد، گوهر خیراندیش، امیرحسین رستمی، نیما شاهرخ‌شاهی، تینا آخوندتبار، ساغر شکوری، نازنین کریمی و مینا وحید اشاره کرد. عزیز علیزاده و اکبر جناغی، تهیه‌کنندگان دختران حوا این سریال را به‌عنوان محصول شبکه پنج سیما تهیه کرده‌اند. دختران حوا هر روز ساعت ۱۷ پخش می‌شود و بازپخش آن نیز روز بعد در ساعت‌های یک بامداد و ۹ صبح روی آنتن می‌رود.

«ماه در می‌زند» مستندگونه داستان‌هایی از زندگی مردم را روایت می‌کند که هرکدام از جنبه‌ای با محرم ارتباط دارد

عکس: ریحانه زنگنه

گفت‌وگو با کارگردان و تهیه‌کننده ویژه‌برنامه محرم شبکه ۲ سیما

گوش کن! «ماه در می‌زند»

نوشین مجلسی
رسانه

محرم هر سال، شبکه‌های مختلف سیما به دنبال آن هستند که ویژه‌برنامه‌هایی را متناسب با حال‌وهوای این ایام راهی آنتن کنند. یکی از سبک‌های برنامه‌سازی برای چنین مناسبت‌هایی که چندسالی است بیش از پیش رونق گرفته، روایت قصه‌های متفاوت و جذاب از آدم‌هایی شبیه من و شماست. هرکس قصه‌ای دارد و این قصه با قدرت بیان راوی آن یا اتفاقات عجیبی که در آن رخ داده و گاهی از پیوند این دو شنیدنی می‌شود و حتی بازسازی آن در قالب نمایش هم می‌تواند تماشایی باشد. برنامه ماه در می‌زند، یکی از برنامه‌های محرمی شبکه دوی سیماست که امسال به دنبال چنین سوژه‌ای رفته، گرچه می‌توان آن را در ادامه فضای برنامه‌های مریم نوابی‌نژاد در مقام کارگردان دانست اما در جزئیات تفاوت‌هایی دارد. او که سال‌گذشته در این ایام «مکث» را راهی آنتن کرده‌بود، این‌بار برای محرم، «ماه در می‌زند» را با تهیه‌کنندگی سیدجواد سیدمحسنی ساخته‌است که هر روز ساعت ۱۹و۳۰دقیقه پخش می‌شود و نمایش آن تا پایان صفر ادامه دارد. قصه‌های ماه در می‌زند، بدون مجری و فقط با حضور شخصیت‌های اصلی و اتفاق‌های واقعی که بیشتر آنها با عاشورا پیوند خورده، روایت می‌شود. با کارگردان و تهیه‌کننده این برنامه گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

سیدجواد سیدمحسنی، تهیه‌کننده:

به قدرت قصه آدم‌ها باور دارم

«ماه در می‌زند»، راوی داستان‌هایی از زندگی و باور افراد و گره خوردن آن با محرم است.

سیدجواد سیدمحسنی، تهیه‌کننده این برنامه است که از ابتدای محرم روی آنتن شبکه دوی سیما رفته و تا پایان صفر هم مهمان نگاه مخاطبان خواهد بود. این تهیه‌کننده در گفت‌وگو با جام‌جم درباره شروع این برنامه و جذابیت آن برای خودش می‌گوید: این برنامه از آنجا شروع شد که خانم نوابی‌نژاد طرحش را به شبکه دو ارائه کرد. ماه در می‌زند در ۶۰قسمت در حال تولید است و از ابتدای محرم تاکنون راهی آنتن شده‌است. همچنان مشغول تصویربرداری هستیم و مدت زمان هر قسمت حدود ۴۵دقیقه است.

سیدمحسنی ادامه می‌دهد: کارکردن در ایام محرم و صفر، تهیه برنامه مناسبتی برای این ایام و روایت اتفاقات خاصی که در زندگی مردم افتاده و توسل به ائمه مشکل‌گشای بسیاری از آنها بوده‌است، مرا به تهیه‌کنندگی این برنامه علاقه‌مند می‌کرد. دوست داشتم این کار به سرانجام برسد که چنین شد.

این تهیه‌کننده درباره انتخاب مهمانان برنامه بیان می‌کند: خانم نوابی‌نژاد یدطولایی در سوژه‌یابی چنین برنامه‌هایی دارند و با سابقه‌ای که داشتند این افراد را باتوجه به موضوع‌ها انتخاب کردند. درواقع مهمانان برنامه با در نظر گرفتن داستان‌های خاص‌شان و تفاوتی که نسبت به دیگر افراد جامعه در زندگی‌شان داشتند، انتخاب شدند. این افراد از شهرهای مختلف و جاهای دور و نزدیک به برنامه آمدند. ماه در می‌زند درواقع ادامه همان سبک کاری خانم نوابی‌نژاد است ولی تفاوت‌هایی هم دارد. برنامه‌های قبلی معمولا دارای مجری بودند و دکور خاص داشتند اما در این سری، داستان‌ها را به صورت خالص از زبان شخصیت‌های آن بیان می‌کنیم. مجری نیست که بخواهد این داستان‌ها را بگوید و به آنها سمت و سو دهد. این قدرت خود داستان‌هاست که با بیان راویان‌شان به مخاطبان منتقل می‌شود و آنها را جذب می‌کند.

او در مورد پیوند قصه‌های این افراد با ماجرای عاشورا و تناسب‌شان با این ایام می‌گوید: در بسیاری از داستان‌ها از عنایت ائمه به این افراد می‌شنویم و برخی دیگر هم به جامعه امید می‌بخشند.

از سیدمحسنی درباره نگرانی او به عنوان تهیه‌کننده درباره امکان جذب نشدن مخاطبان به دلیل عدم حضور چهره‌ها و مجری می‌پرسیم که پاسخ می‌دهد: شاید ابتدا این نگرانی وجود داشت اما پیش تولید قوی داشتیم و درباره طرح زیاد صحبت کردیم. به همین دلیل اطمینان پیدا کردم مخاطبان از این برنامه خوش‌شان می‌آید و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. چون در خیلی از برنامه‌ها که مجری داشتند، بارها دیده‌بودم اگر مجری وسط حرف مهمان می‌پرید، مخاطبان می‌گفتند «ای بابا! بگذار حرفش را بزند!» به این اطمینان رسیدم که داستان‌های این برنامه آن‌قدر قدرت دارد که خودش مخاطب را جذب کند. ضمنا تدوینی که از اول برای این کار در نظر گرفته‌بودیم، پر از کات و سریع است و یک داستان توسط چند نفر روایت می‌شود برای همین جذابیت خاص خود را دارد و خسته‌کننده نیست. یک داستان غیر از زبان شخصیت اصلی آن، توسط دیگر افراد همراه او در استودیو مثل خواهر، دوست، همسر یا... هم روایت می‌شود و آنها ماجرا را کامل می‌کنند.

از دیگر بخش‌های برنامه قصه‌خوانی مسعود فروتن است که این تهیه‌کننده درباره‌اش می‌گوید: یک‌سری داستان از سه کتاب برگزیده شده‌است که مسعود فروتن متناسب با ماجرای روایت شده در هر قسمت آنها را می‌خواند. این بخش اول و آخر هر قسمت پخش می‌شود.

سیدمحسنی در مورد ادامه دادن برنامه در مناسبت‌های دیگری مثل رمضان بیان می‌کند: خدا را شکر نظرهای خوبی درباره ماه در می‌زند در فضای مجازی و دیگر جاها دریافت کردیم اما ادامه‌دار شدن برنامه با توجه به نظر مدیران شبکه است. اگر صلاح بدانند در مناسبت‌های دیگر هم ادامه خواهد داشت. لازم است از مدیران شبکه دو به‌ویژه آقای مهندس جعفری جلوه تشکر کنم که با رهنمودها و حمایت‌هایشان باعث شدند این برنامه روی آنتن رود و بازخورد خوبی داشته باشد. مدیران به ما اعتماد کردند تا این فصل جدید را آغاز کنیم. همچنین از عوامل تولید برنامه تشکر و قدردانی می‌کنم.

سیدمحسنی: کارکردن در ایام محرم و صفر، تهیه برنامه مناسبتی برای این ایام و روایت اتفاقات خاصی که در زندگی مردم افتاده و توسل به ائمه مشکل‌گشای بسیاری از آنها بوده‌است، مرا به تهیه‌کنندگی این برنامه علاقه‌مند می‌کرد

سیدجواد سیدمحسنی و مسعود فروتن در پشت صحنه برنامه

گفت‌وگو با مریم نوابی‌نژاد، کارگردان برنامه

هر قسمت شبیه یک مستندسینمایی است

نوابی‌نژاد، پیش از این سابقه کارگردانی برنامه‌هایی چون «هزارداستان»، «مکث» و فصل اول «محاکات» را داشته و در زمینه سوژه‌یابی هم با برنامه‌هایی مثل «ماه عسل» که در این حال‌وهوا روی آنتن رفته، همکاری کرده‌است. او در گفت‌وگو با جام‌جم از تفاوت‌های برنامه تازه‌اش می‌گوید.

شما سال‌هاست در این سبک برنامه‌سازی فعال هستید. ماه درمی‌زند چه تفاوتی با آثار پیشین‌تان دارد و حرف تازه‌اش چیست؟

چندسال پیش برای ایجاد تغییر در این سبک برنامه‌سازی که باب شده‌بود، هزارداستان را راهی آنتن کردیم که در آن هر کس باتوجه به نقشش در قصه روبه‌روی یک آدم می‌نشست. پارسال در مکث به‌دلیل شیوع کرونا، از زاویه این بیماری به قصه‌ها نگاه کردیم. از قرنطینه جانبازهای شیمیایی بگیر تا کارگران معدن و مانع شدن ماسک برای ارتباط برقرار کردن افراد ناشنوا. سپس برنامه محاکات را ساختم و به‌دنبال این بودم که از دل قصه‌های واقعی، فیلمنامه دربیاوریم. اما احساس کردم در آنجا نتوانستم به آن چیزی که می‌خواستم برسم؛ پس در ماه در می‌زند سراغ این رفتم که فقط داستان را جلوی دوربین بیاورم و به صورت ساده برای مخاطبان بیان کنم. البته آن را با تدوین حرفه‌ای همراه کردم که هر قسمت را به مستندسینمایی نزدیک می‌کند.

تدوین این برنامه به علت ساده بودن فضایش برای بهتر شدن ریتم اهمیت زیادی دارد. چطور به این ایده رسیدید؟

کار سختی است اما می‌ارزد چون برنامه را از حالت تخت بودن و متکلم‌وحده بودن، خارج می‌کند. با این کار ضمن حفظ خلوص قصه، آن را جذاب‌تر و با نگاه‌های مختلف می‌بینیم. ضمنا مجری نیست که در کلام مهمان بپرد.

البته حضور مجری به‌گونه‌ای می‌توانست این جذابیت را بیشتر کند. چون برخی بر این باورند که گاهی حضور نداشتن چهره‌ها باعث می‌شود مخاطب کانال تلویزیون را عوض کند و تماشای برنامه را ادامه ندهد.

اینجا فقط قصه مهم است و مجری حضور ندارد. گاهی در برنامه‌هایی که در این سال‌ها کار می‌کردم مخاطبان می‌گفتند چقدر مجری حرف می‌زند! چقدر وسط کلام مهمان می‌پرد و نمی‌گذارد ببینیم او چه می‌گوید! و من این‌گونه فهمیدم قصه اصیل‌تر است. گاهی از حضور مجری برای به حرف کشیدن مهمان استفاده می‌کنیم درحالی‌که این اتفاق دارد در پشت صحنه توسط من می‌افتد. من سؤال‌ها را می‌پرسم و بدون حاشیه به خط اصلی داستان می‌رسم. مجری یک آدم دیگر است و هیچ‌گاه کاملا با کارگردان هم نظر نمی‌شود. محتوا و خط اصلی قصه را هرچقدر برایش توضیح دهی باز از زاویه‌ای متفاوت به آن نگاه می‌کند. برای رسیدن به خلوص و ناب بودن قصه دوست داشتم این کار را بکنم. همیشه معتقدم هر چیزی جای خودش را باز می‌کند. روزهای اول که هزارداستان را تصویربرداری می‌کردم همه عوامل می‌گفتند این برنامه شکست می‌خورد. حتی مدیران هم می‌گفتند مطمئنید برنامه خوبی می‌شود؟ و من می‌گفتم اگر روایت درستی داشته‌باشی به مرور زمان خودت را ثابت می‌کنی. مثل این است که یک شب پای سخنرانی کسی بروی و یک جمله جالب از او بشنوی. فرداشب به خاطر همان جمله باز پای حرفش می‌نشینی. شب سوم به همین ترتیب و شب چهارم دیگر مشتاقانه می‌روی. دوست دارم این اشتیاق را در مخاطب به وجود بیاورم و تقویت کنم. نه به خاطر این‌که بگویم من این کار را بلدم؛ به این دلیل که باید با همدیگر حرف بزنیم. اگر بگوییم این شکل برنامه‌ها زیاد شده‌است و منی که کارم در حوزه اجتماعی است در خانه بنشینم چه نتیجه‌ای دارد؟! همیشه به دوستانم می‌گویم اگر به اندازه یک پاراگراف به شما فضا دادند در همان یک پاراگراف حرف بزن و کارت را درست انجام بده. این دغدغه من و کاری است که بلدم. جالب است گاهی برخی می‌گویند کسی بیننده تلویزیون نیست! درحالی‌که می‌بینم مثلا کسی می‌گوید دوستم در انگلیس برنامه دیشب شما را دیده‌است یا مثلا بعد از حضور خانم لاچینی در برنامه هزارداستان، بعضی هنرمندان خارج کشور با او تماس گرفته‌بودند که عجب برنامه‌ای بود! پس هر کس باید کاری که بلد است را انجام دهد؛ بالاخره دیده می‌شود.

هیچ‌وقت نخواستید خودتان مجری برنامه‌هایتان شوید تا این فاصله میان ذهن شما و مجری برداشته شود؟

راستش خیلی با دوربین خوب نیستم. البته همیشه این‌گونه بوده که چینش قصه توسط خودم انجام می‌شده‌است؛ حتی در «محاکات». سعی می‌کردم در پشت صحنه ذره‌ذره سوال بپرسم تا به مغز داستان برسم.

البته همان‌طور که گفتید این سبک برنامه‌سازی دارد زیاد می‌شود و شاید همین جذابیتش را کم کند. این طور نیست؟

من همیشه می‌گویم ناب بودن قصه، بدون ترحم و نگاه از بالا به پایین و این‌که رودرروی یک آدم بنشینی و قصه‌اش را بشنوی، یک جذابیت ازلی و ابدی است و با کنجکاوی بشر سروکار دارد. نمی‌شود گفت چون یک دوره به آن پرداخته‌ایم، دیگر سراغش نرویم. ولی متاسفانه مشکل برنامه‌سازان اجتماعی این است که فکر می‌کنند مثلا به صرف این‌که شخصی معلول است، می‌تواند سوژه باشد و می‌شود با آن برنامه تولید کرد. ما اصلا این‌گونه نگاه نمی‌کنیم. دنبال سوژه می‌گردیم. متاسفانه هیچ‌کس پژوهش پشت این برنامه‌ها را نمی‌بیند. خیلی‌ها فکر می‌کنند چهارتا آدم جلوی دوربین می‌آورند؛ چهارتا سوال می‌کنند و تمام می‌شود. ولی ما واقعا می‌گردیم تا آنچه مدنظرمان هست را پیدا کنیم. آدم‌های دیگری هم هستند که می‌خواهند بدون تحقیق از این سبک تقلید کنند؛ گاهی به ما زنگ می‌زنند و دنبال سوژه می‌گردند. درصورتی که ما سوای قصه‌گفتن، حرف اجتماعی و تلنگر می‌زنیم. من می‌توانم بگویم برنامه ما بسیار انتقادی است. البته انتقاد درست؛ نه غر زدن! به دنبال یک برنامه رام و روتین نیستیم که به مردم بگوییم چشم‌هایتان را ببندید؛ می‌خواهیم قصه بگوییم. مثلا این‌که نشان می‌دهیم یک سرباز از داربست افتاده و ۹۷روز در کما بوده، اما وقتی این را پیگیری کرده فقط شش میلیون به او داده‌اند! درواقع انتقاد به سرگروه او در این ماجراست.

پژوهشی که درباره‌اش حرف می‌زنید برای این برنامه چقدر طول کشید؟

واقعا ۳۰سال. آن چیزی که پشت نگاه آدمی مثل من جمع شده حاصل سال‌ها خانه به خانه، بنیاد به بنیاد و مرکز به مرکز گشتن و با آدم‌ها مراوده داشتن است. حالا اگر بخواهم پژوهشی که برای هر برنامه انجام می‌شود را توضیح دهم باید بگویم ما عنوان‌های کلی قسمت‌ها را می‌نویسیم و به همه قشرها و موضوعات نگاه می‌کنیم. مثلا اگر بخواهیم سراغ موضوع جهانگردی یا عشق خارج رفتن برویم، می‌رویم دنبال آدمی که همه دنیا را دیده و به خانه خود برگشته‌است. او جهان‌بینی دارد؛ تحلیلش را از سفر و نوع نگاهش قبل و بعد از این سفر بیان می‌کند. به‌طورکلی نگاه تازه به هر چیزی که به درد زندگی یومیه مردم بخورد می‌تواند حرف این برنامه‌ها باشد.

ماه در می‌زند مثل بسیاری از برنامه‌های شما در ایام خاصی روی آنتن رفته‌است. چقدر محتوای آن با فضای محرم ارتباط دارد؟

همه در این قصه‌ها از تاثیر امام حسین (ع) بر زندگی‌شان هم می‌گویند. درواقع نوع نگاه‌شان به واقعه عاشورا در قصه‌شان تاثیر گذاشته‌است.

دکور برنامه خیلی ساده‌تر از برنامه‌های گذشته شماست و فقط نشانه‌هایی از محرم دارد. چرا این سادگی را انتخاب کردید؟

من واقعا دلم می‌خواست در یک صفحه کاملا ساده با دو سه تا آدم حرف بزنم و نشان دهم. باورکنید جذابیت به ادا، دکورهای میلیاردی و کت‌وشلوار مجری نیست؛ به حرف است. محتوا را رها کردیم و درگیر یک‌سری ادا و اصول و هیاهو شدیم و اصلا نمی‌دانیم چقدر ارتباط‌مان را با مردم قطع کردیم.

چرا قسمت قصه‌خوانی مسعود فروتن را به این فضای ساده اضافه کردید؟

تعداد زیادی قصه از مردم داریم که مرتبط با عاشوراست و در سه کتاب (کآشوب، زان‌تشنگان و رستخیز) آمده‌است. من آنها را خوانده‌بودم. فکر می‌کردم چقدر خوب است هرکس از نگاه خود به این اتفاق، گفته‌است. این بخش برنامه به نحوی ارتباط با کتاب را ترویج می‌کند. چون خیلی وقت است کتاب خوانده نمی‌شود. اگر در روایت یک قصه اجتماعی بخشی از کتابی را که شیرین نوشته شده‌است بخوانیم، شاید مردم یادشان بیاید کتاب چقدر خوب است. ضمنا قصه‌های این کتاب‌ها ربط محتوایی به قصه هر قسمت دارد. انگار گفته می‌شود هر قسمت می‌تواند مثل این‌ها تبدیل به یک قصه شود و به نوعی شروع و پایان‌بندی هر قسمت هم هست.

قرار است برنامه تا کی ادامه داشته باشد؟

تا آخر محرم و صفر و البته با شرایط بسیار سخت! چون بسیاری از مهمانان به دلیل کرونا می‌ترسند در برنامه حاضر شوند. الان تعداد زیادی از افرادی که با آنها تماس می‌گیریم خودشان یا نزدیکانش درگیر کرونا شدند و می‌ترسند بیایند.

برای مناسبت‌های دیگر مثل رمضان هم ادامه‌دار می‌شود؟

نمی‌دانم. رمضان گذشته «محاکات» را داشتم که البته مدتی بعد از گروه جدا شدم. هیچ‌وقت روی یک برنامه برای ساخت فصل‌های بعدی‌اش پس‌انداز نمی‌کنم. می‌گویم در لحظه باید حرفم را بزنم شاید بعد فرصتش نباشد. البته همیشه دوست داشتم به جز مناسبت‌ها هم برنامه داشتم باشم تا در فضاهای دیگر هم با مردم حرف بزنم؛ مثلا فضاهای شادتر. در هزارداستان خیلی داستان‌های شاد داشتیم ولی برنامه‌های غمگین آن در تکرارها پخش شده‌است.